

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین، ۲۲ دسمبر ۲۰۰۹

## به کهنه خود بساز که نو دیگران گران است

جوه تمایز و تفارق بین دری افغانستان و فارسی ایران

(بخش ششم)

### ایرانیان کرزی را کرزای تلفظ میکنند و همینطور مینویسند

در قسمت پنجم که دینه روز(۱)، ۲۱ دسمبر ۲۰۰۹ نوشته شده و در صفحه امروز ۲۲ دسمبر ۲۰۰۹ پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نشر گردید، در مورد طرز تحریر کلمات فرنگی در زبان دری افغانستان و فارسی ایران، نکاتی چند عرضه گردید. اینک قرار وعده، دنباله همین مبحث خاص. در این بخش مقاله ای را که به تاریخ ۲۲ سپتمبر ۲۰۰۶ - یعنی دقیقاً دو سال و نه ماه پیش - زیر عنوان «ایرانیان "کرزی" را "کرزای" تلفظ میکنند و همینطور مینویسند» نوشته شده و در همان زمان در پورتال "افغان جرمن آنلاین" منتشر گردید، با تعدیل و اضافات عرضه میدارم. هدفم از این مبحث خاص این سلسله، توجه دادن برادران افغان و ایرانی ما به کلماتیست، که در ایران نادرست تلفظ گردیده و لامحاله نادرست نگاشته میشوند.

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین، ۲۲ سپتمبر ۲۰۰۶

### ایرانیان کرزی را کرزای تلفظ میکنند و همینطور مینویسند

تلفظ نادرست کلمات از زبان برادران ایرانی ما حدیثیست دیرین، که ضمن این مقاله به ایجاز بررسی میگردد. ایرانیان اکثر اسمای خاص یا اسمای علم خارجی را نادرست تلفظ میکنند و نادرست مینویسند. مثلاً "امریکا" را "امریکا"، "افریقا" را "افریقا"، "غفورزی" را "غفورزای"، "کرزی" را "کرزای"، "زلمی" را "زلمای"، "عمرزی" را "عمرزای"، ... تلفظ میکنند و همینطور مینگارند. مگر کاش موضوع به همین چند کلمه خلاصه میشد.

شاید کسی بیاید و بگوید که از "سر کل" فارسی ایران و برادران ایرانی دست بردار، چون نوک زبان و قلم ایشان چندان "کلوله" ساخته شده، که قدرت تلفظ درست کلمات را از ایشان ربوده است. اگر اینطور باشد و این نارسایی ذاتی و مولود محیط و ساختمان زبان (زبان گوشتی) ایشان باشد، کار تمام است!!! مگر اگر مزاح و به اصطلاح ایرانیان "شوخی" (۲) را کنار گذاشته جدی گردیم، مراتب ذیل را تقدیم حضور خواننده خواهنده می‌کنم:

در فارسی ایران و در کلام ایرانیان نکاتی به نظر میرسند، که از دید این قلم، شایان توجه آگنده با تعجب است. برای بررسی بالنسبه همه جانبه موضوع، بحث را در چند بخش تعقیب می‌کنیم:

## - کلمات عربی :

ایرانیان بعض کلمات عربی را - بدون در نظر گرفتن ساختمان صرفی آنها - به "ضم" حرف اول تلفظ می‌کنند. مثلاً کلمات "دولت، توزیع، توحید، توجیه، تولید، اولویت، مولا، موقف، موضع، مولد (زادگاه)، موعده، موقع، مورد، شمال، موج، قوس، قول (گفتار)، جبران، جولان، موسوم و غیرهم" همه را با "حرف اول مضموم" اداء مینمایند. این کلمات مگر در اصل عربی خود همه به فتح حرف اول آمده اند و همینطور اداء می‌گردند - به استثنای کلمه "شمال" که "شین مکسور" می‌خواهد. در مملکت ما خوشبختانه تقریباً تمام این کلمات و کلمات مشابه آنها را درست تلفظ میکنند. ولی بدبختانه هستند کسانی معذور از هموطنان ما، که در تلفظ چنین کلمات، ایرانیان را مقتدا و معیار قرار داده و از ایشان پیروی میکنند. دلیلش هم شاید این باشد، که ایشان فکر میکنند، که ایرانیان و خصوصاً اهل خبرت و تعلیم یافتگان ایشان، درست تلفظ می‌کنند. همین حدس نادرست است، که بعض نطقان افغان رادیوی بی بی سی و رادیوی صدای المان و رادیوی صدای امریکا و رادیوی آزادی را، به بیراهه کشانده است.

"مضموم تلفظ کردن ها" در فارسی ایران، مختص به کلمات عربی هم نمانده و کلمات فارسی نیز از آن متأثر می‌گردند، چنانکه کلمات "فردوس" و "فردوسی" را به ضم "دال" تلفظ میکنند. ایرانیان نام شاعر زبردست خود "اوحدی" را نیز به ضم "الف" تلفظ میکنند (البته کلمه "اوحد" بر وزن "اکبر" و "اعظم"، اسم تفضیل یا صفت تفضیلی "واحد" و کلمه عربیست)

تا جایی که پخش بخشهای دری رادیوها و تلویزیونهای داخل وطن را تعقیب کرده ام، باید با کمال مسرت بگویم که اکثر نطقان دری ما در داخل افغانستان در تلفظ درست کلمات - به شمول لغات عربی - سعی بلیغ مینمایند و به ندرت دیده میشود که کلمات را نادرست اداء کنند؛ و این مایه بس امیدواری افرادی همچو من است. "درست تلفظ کردن" کلمات - و خصوصاً کلمات عربی - از آن سبب مهم است، که "نحوه تلفظ"، "مفهوم و معنای" کلمات را نیز متأثر میسازد و این قصه ایست، که باید ضمن مقاله مستقل بررسی گردد!!!

## - کلمات پشتو:

درینجا به مثالهای صدر مقاله دوباره چنگ می‌زنم و به تأکید می‌آرم که ایرانیان کلمات "کرزی، عمرزی، زلمی، غفورزی" را که همه کلمات "پشتو" یند، با یک "الف اضافی" تلفظ کرده و مینویسند:

## "کرزای، عمرزای، زلمای، غفورزای"

اگر کلمه "عمرزای" را از نگاه دستور زبان دری تحلیل کنیم:

کلمه "عمرزای" مخفف "عمر زاینده" (زاینده عمر - اضافه مقلوب) است یعنی کسی که فقط "عمر" بزیاید. همین قسم "غفور زای" یعنی "زاینده غفور" به کسی اطلاق گردد، که فرزندان را بدینیا آورده باشد و بیارد، که همه پسر اند و همه "غفور" نام دارند.

مثل معروف کابلی که گوید "دیرزای و شیرزای"، مترتب بر همین ساخت لغویست. "دیرزای" به زنی گویند که "دیر" زاید و "شیرزای" زنیست، که "شیر" زاید. این ساخت لغوی آنقدر مبرهن است، که همه اهل زبان - به شمول مردم امی و بیسواد ما - از آن آگاهند. اگر از مردم عادی و بیسواد کابلی معنای "دیرزای" و "شیرزای" را بپرسید، جوابی غیر از آنچه آوردم، نخواهید گرفت.

از نگاه صرف زبان پشتو:

"زی" مخفف "زوی" یعنی "بچه و پسر" است و "غفورزی" یعنی "بچه غفور" یا "غفورزاد" و "غفورزاده". همین قسم "کرزی" یعنی "زاده کرز" و "کرزاد"؛ و "کرز" منطقه ایست در شهر شهیر قندهار.

متأسفانه برادران ایرانی ما در پی این نیستند، که به اصل درست کلمات پشتو توجه نمایند. چنانکه کلمه "شاغلی" را که در اصل به "شین پشتو" و بشکل "بناغلی" میباشد، همیشه در هیئت "بناغلی" مینویسند، گوئی "شین پشتو" را در هیئت "ب + ن" حدس می‌زنند. اخیراً در کتاب "افغان نامه" اثر معروف داکتر "محمود افشار یزدی" هم این کلمه را به همین صورت یافتیم. مرحوم داکتر افشار با وجودی که محقق بزرگی بوده است، درین زمینه کوچکترین تحقیق و دقت و توجهی نکرده است.

فرهنگ نویسان ایرانی هم در زمینه توجه لازم و کافی ننموده و حتی نکاتی را در مورد "زبان پشتو" مینویسند، که از حقیقت فرسنگها فاصله دارد.

"فرهنگ عمید" ضمن شرح کلمه "پشتو" چنین آرد:

«پشتو - ا. (پُ. ت) پختو، زبان بومی مردم افغانستان است که شعبه ای از زبان فارسی و مخلوط از لغات فارسی و عربی و هندی است و با الفبای فارسی نوشته میشود» (صفحه ۴۷۴ فرهنگ عمید، چاپ سوم ۱۳۶۰، چاپخانه سپهر، تهران). در همین یک جمله ای که از زبان یک "فرهنگ نویس معتبر" ایران برخاسته است، عالمی اشتباه را می یابیم. مختصراً میگوییم، که نه "زبان پشتو" از "زبان فارسی" اشتقاق یافته و نه الفبای آن از الفبای فارسی گرفته شده است، چون "الفبای موجود" زبان "فارسی و دری" اصلاً "الفبای زبان عربی" است، نه "الفبای" خود "فارسی و دری".

واقعیست، که هم "زبان فارسی و دری" موجود و هم "زبان پشتو" با الفبای "زبان عربی" نوشته میشوند و هیچ کدام از خود الفبای مستقل ندارند. فرموده آقای حسن عمید که "زبان پشتو" را شعبه ای از "زبان فارسی" میبندارد، غیر از اینکه بر ناآگاهی ایشان از علم زبان و تاریخ زبانها و زبانشناسی تاریخی، اطلاق گردد، توجیه دیگری ندارد. گوئی ایشان "زبان" را "مجموعه ای از کلمات" می پندارند و رول "دستگاه های دستوری و صوتی" آن را - که اصل و کنه و ذات زبان را تشریح میکنند - نادیده میگیرند.

## - کلمات فرنگی و جهانی:

ایرانیان کلمات "آمریکا، آفریقا (۳)، پولیس، هتل، ... را به شکل "آفریقا، آمریکا، پلیس، هتل، ... مینویسند و همین گونه تلفظ مینمایند. اما تلفظ جهانی - و بالوسيله تلفظ و نگارش درست - این کلمات، همانا حالت اول است. در قسمت پنجم این سلسله درین زمینه خاص مشخصاً، ولو به ایجاز، سخن رفته است و اگر ایجاب کند، موضوع را در آینده مفصل تر و با بسط بیشتر، پیش خواهیم کشید.

طوری که بر من مبرهن گشته است، ایرانیان خوش دارند که مصوت "a" را که در اول و وسط کلمات فرنگی آمده باشد، بشکل "آ" (الف مددار)، ممدود تلفظ نمایند و همین گونه بنگارند.

مثالها در زمینه بسیار زیاد است، که به شرح و بسط بیشتر نیاز دارد و من درین مقال به همین مختصر اکتفاء میکنم. به یقین که وطنداران ما با ایرانیان بسیار در تماس بوده اند و میباشند و به یقین که متوجه چنین امری گردیده اند. پس ذهن خواننده عزیز را به صحنه ها و لحظاتی میبرم، که با دوستان ایرانی خود در تماس بوده اند و یا به تماس می آیند. قویاً حدس میزنم که افغانان خود بر این نکته عنایت داشته اند و اگر عنایت نداشته باشند، آرزو میکنم که بعد از خواندن این مقال، بر موضوع توجهی فرمایند و تصدیق سخنانم را بیابند!!!!!!

## نتیجه گیری:

از بحث بالا نتیجه میگیریم، که مردم ایران بسا کلمات را - چه فارسی و دری باشند و چه غیر فارسی و دری - نادرست تلفظ میکنند و غلط مینویسند. این روند فارسی ایران گردیده، فارسی ایران در همین مسیر روان است و کسی جلو آن را هم گرفته نمیتواند. اما رسالت ما افغانان در قبال این انکشاف چیست؟ آیا مقلد و دنباله رو ایرانیان و فارسی ایران گردیم و همان کنیم که ایرانیان هم میکنند و یا راه دیگری هم وجود دارد؟

## درس گیری :

درسی که ما افغانها باید بگیریم اینست که:

آنچه ایرانیان درین زمینه میگویند و مینویسند، مبارک خود شان باد. لهجه فارسی ایران همینطور انکشاف کرده و همینطور قوام و دوام یافته و کسی نمیتواند و حق هم ندارد، که خلاف آنرا از ایشان بخواهد. اما ما افغانان باید متوجه خود و زبان خود باشیم، تا ازین "بلیه" برکنار بمانیم. حیف است که لهجه زیبا و شایسته دری را که در ملک ما رایج و مورد رشک و غبطه بسا ایرانیان "فارسی فهم" و "دری دان" است، از دست بدهیم و نحوه به ابتذال رفته فارسی ایران را کاپی کنیم. بعض افغانان "از خود بیگانه" این کار را میکنند و اگر جهان بکام و افغانستان در زمام ایشان باشد، همین امروز و فردا "لهجه تهرانی" را جبراً و قسراً بر شانه "دری کابلی" سوار خواهند کرد. "یادی رژیم منحل آخوندی ایران" در ملک ما کم نیستند، ایشان بسیار و در سطوح مختلف دست بکارند و چون از خارج تشجیع و تمویل میگردند، امکانات تبلیغاتی فراوان و وسیع را نیز در اختیار دارند.

این را هم باید به صراحت بگویم - بدون اینکه موضوع را عام بسازم - که چون افغانها از آثار و منابع ایرانی استفاده وسیع و سرشار میکنند، خواهی نخواهی کلمات خاص و اصطلاحات و حتی "تلفظ ایرانی" کلمات در ذهن ایشان جای میگیرد، در حدی که آن را لاجرم و گویا "غیر ارادی" در نوشته و گفتار خود بروز میدهند. یعنی بسا افغانان بدون اینکه بخواهند و بدون اینکه "نیت سوء"ی داشته باشند، زیر تأثیر "فارسی ایران" میروند. ایشان تا اندازه ای زیر تأثیر انتشارات گسترده ایران میروند، که فکر میکنند:

«هرچه هست "فارسی ایران" است و هرچه ایرانیان بگویند درست است.»

بخاطر همین دید و برداشت سطحی و واهی خود، "پیروی از فارسی ایران" را پیشه و اندیشه روزمره خود میسازند. اینان غیر ازین گناهی ندارند، که:

نحوه زیبا و درست "دری" خود را ، دقیقاً نشناخته اند و تحت تأثیر اَبَهت و شکوه ظاهری نشرات ایران قرار میگیرند. ایشان در واقع زیر تأثیر کمیت رفته و "کیفیت" را قربان "کمیت" کرده اند. اشتباه ایشان مبتنی بر دو "نشناختن" است:  
- یکی "نشناختن درست دری افغانستان"  
- و دیگر "نشناختن درست فارسی ایران"  
اگر افغانان دنباله رو "فارسی ایران"، این دو "شناخت" را میداشتند، تا این حد از راه نمیرفتند و با "دل پاک" به بیراهه رو نمی آوردند!!!!!!

## توضیحات :

۱ - "دینه روز" اصطلاح زیبای دری کابلیان است که بلا استثناء در عوض "دیروز"، از زبان عوام این حضرت بزرگوار - که پاینده باد - شنیده میشود. معمران و کهنسالان کابلزمین این کلمه را به شکل مخفف آن "دینه" نیز به کثرت استعمال میکردند. در مقاله مبسوطی زیر عنوان "سرگی و دیرپائی لغات و اصطلاحات در زبان عامیانه دری" که اصلاً در شماره ۴۹۹ جریده "امید" (حدوداً ده سال پیش) و بعداً با تجدید نظر و اضافات به تاریخ ۲۰ نومبر ۲۰۰۵ در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نشر گردید، در زمینه این کلمه و سجل و سوانح کلمات بیشمار دیگر معلومات کافی داده شده است. این مقاله بعداً در صفحه مؤرخ ۱۷ سپتمبر ۲۰۰۸ پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نیز افتخار نشر یافت. خوانندگان عزیز و خصوصاً ارجمندانی را که این سلسله را تعقیب میکنند، به خواندن آن مقاله در آرشیف معروفی در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" دعوت میکنم.

### قابل تذکر میدانم، که:

پورتال محترم "افغان جرمن آنلاین"، آرشیف مقالات بنده - مشتمل بر ۲۲۴ مقاله - را که مدتی از صفحه "تحلیلات" خود مهجور نگهداشته بود، اینک دوباره روی صحنه آورده و مورد استفاده خوانندگان گرانقدر خود قرار داده است. بدین مناسبت اظهار سپاس میکنم. امید است، که متصدیان محترم پورتال **AGO** آرشیف صفحه "ادب و فرهنگ" مرا که مشتمل بر هفده مقاله است، نیز دوباره نمایان سازند و نیز مطالب متفرقه دیگری را که زیر نام "مقالات قدیمی" و غیره درانجا نشر کرده بودم.

۲ - "شوخی" از جمله کلماتیست که در "فارسی ایران" و "دری افغانستان"، به معانی متفاوت بکار میروند. در مورد این کلمه و مدلول های متفاوتش در دری ما و فارسی ایران، در بخش دوم همین سلسله - قسمت دوم « عین کلمات با معانی متفاوت و متضاد در دری افغانستان و فارسی ایران » - بالنسبه به شرح سخن گفته ام. متأسفانه این کلمه با مدلول فارسی ایرانی آن، در کلام ادبی ما نیز ترسب کرده است و اخیراً آن را در مفهوم و مدلول "ایرانی" آن در کلام شعراء و نویسندگان نخبه ما نیز می بینم!!!!!!

۳- اقوام قدیم و بومی شمال افریقا - الجزائر، تیونس ، مراکش، لیبیا ، موریتانیا و جمهوری صحرا - بنام "اوریکا" نامیده میشدند؛ قیل از آنکه یونانیان ایشان را "بربر" بنامند. قاره "افریقا" هم از همین کلمه "اوریکا" اشتقاق یافته است. (به استناد صفحه ۱۷۳ کتاب بس ارزنده "پژوهشی در تاریخ هزاره ها" اثر حسین علی یزدانی (حاج کاظم) ، چاپ دوم، چاپخانه مهر - قم ، تابستان ۱۳۷۲ )